

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آن طور که بوده  
و نه آن طوری که امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

( 5 )

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب چهارم

برگردان : الف نسیم

## کمیته دیز

در آگوست ۱۹۳۸ ، کمی قبل از امضای قرارداد مونیخ، در ایالات متحده آمریکا کمیته‌ی مخصوصی برای تحقیق در مورد فعالیت‌های " غیر اخلاقی " تشکیل شد. ریاست این کمیته را نماینده‌ی تگزاس در مجلس، "مارتین دیز" به عهده داشت.

مردم چنان می‌پنداشتند که هدف "کمیته‌ی دیز" قبل از هر چیز مبارزه با دسیسه‌های نیروهای فاشیستی در ایالات متحده آمریکا بود.

به جای این "تحقیقات"، که نماینده‌ی مجلس، دیز انجام آن را به عهده گرفته بود، آنها خود را متمرکز به انجام یک کار کردند: متقاعد کردن مردم آمریکا به این که دشمن اصلی و شماره یک آنها اتحاد جماهیر شوروی بود.

جاسوس تقریباً ناشناس سابق در جنبش کارگران و مبلغ ضد شوروی "ادوارد اف. سولیوان" ( Edward F. Sullivan ) اولین کسی بود که "کمیته‌ی دیز" برای انجام تحقیقات انتخاب کرد. قبل از همکاری با "دیز" او یکی از فعالین تشکیلاتی ضد شوروی به نام "جنبش ناسیونالیستی اوکرائینی‌ها" بود که از "هتمان اسکوروپاداسکی" و دیگر گارد سفیدها دستورالعمل دریافت میکرد.

در دوران جوانی، "سولیوان" در بوستون روزنامه نگار مفلسی بود که برای برانگیختن جو ضد شوروی در میان اوکرائینی‌های آمریکائی استخدام شده بود. اگر چه او نمی‌توانست کلمه‌ای اوکرائینی صحبت کند، ولی در مورد "یک اوکرائین غیر وابسته" تبلیغات میکرد.

بازپرس آتی و انتخاباتی مارتین دیز به سرعت به فردی مهم در جنبش فاشیستی اوکرائینی - آمریکائی تبدیل شد. به عنوان سخنگوی جنبش، او رابطه‌ی نزدیکی را با مبلغان و جاسوسان نازی برقرار کرد، با آنها همکاری و به صورتی علنی از مواضع آنها حمایت میکرد. در ۵ ژوئن ۱۹۳۴ سولیوان در جلسه‌ای با اعضای اتحادیه آلمان - آمریکائی و نیروهای ضربتی اونیفورم پوش در "تورنهایل" واقع در گوشه‌ای از خیابان "لکسینگتون و خیابان ۸۵ در نیویورک صحبت کرد. او در جریان گفتگو، بیان کرده بود:

«همه‌ی این جهودهای شپشو را به دریا بریزید!»

در آگوست ۱۹۳۶ "سولیوان" به عنوان سخنران اصلی در جریان کنفرانسی در سطح کشور با رهبران نژاد پرست آمریکائی و هواداران نازی‌ها در "آشویل" (Asheville) واقع در "کارولین شمالی" (North Carolina)، نقش اصلی را داشت. سخنرانان دیگر در کنفرانس، رهبران پیراهن نقره‌ای‌ها "ویلیام دادلی پلی" (William Dudley Pelley)، "جیمز ترو" (James True)، که با همکاری "سولیوان" مجله‌ای فاشیستی را منتشر کرد، "ارنست اف. المهارست" (Ernest E. Elmhurst)، با نام

مستعار "ای.اف.فلاش کوف" (E.F.Fleischkopf)، از اعضای اتحادیه آلمانی - آمریکایی و جاسوس نازی‌ها بودند.

سخنرانان به شدت به اتحاد جماهیر شوروی حمله کردند و مدعی بودند که حکومت روزولت بخشی از یک "توطئه‌ی کمونیستی - یهودی" بود. روزنامه‌های "آشویل" نوشتند که "سولیوان" در سخنرانی خود "سخناتی را بر زبان آورد که اگر هیتلر اجازه سخنرانی پیدا میکرد، بر زبان می‌آورد." چنین به نظر می‌آمد که مالیات دهندگان آمریکایی، که مخارج کارهای "سولیوان" و رهبر کمیته‌ی بازرسی "دیز" در مورد فعالیت‌های "غیر آمریکایی" را پرداخت میکردند، به گزارشات او به پلیس علاقمند بودند:

جرم	تاریخ	مکان	مجازات
مستی	۷/۹/۱۹۲۰	چارلزستون	دستگیر و آزاد شده
رانندگی با سرعت بالا	۱۸/۱۲/۱۹۲۳	روکسبوری	۲۵ دلار جریمه
رانندگی بدون گواهینامه	۱۱/۲/۱۹۲۴	سافولک	۲۵ دلار جریمه
رانندگی با سرعت بالا	۲۷/۶/۱۹۲۴	سافولک	آزادی به قید ضمانت (تقاضای تجدید نظر)
دزدی	۴/۲/۱۹۲۳	مالدن	۶ ماه کار اجباری
دزدی	۱۲/۴/۱۹۳۲	میدلسکس	دادگاه تجدید نظر
رانندگی با گواهینامه‌ی غیر قانونی	۱۱/۲/۱۹۳۲	لوول	تبت شده
همجنس بازی	۲۰/۱۲/۱۹۳۳	نیویورک	تبرئه شده
خود را به جای پلیس اف بی آی جازدن	۱۱/۱۲/۱۹۳۹	پیتزبورگ	پرونده مختومه اعلام شد

زمانی که که سازمان‌های آزادیخواه آمریکایی، از بخشی از گذشته‌ی ناخوشایند سولیوان پرده برداشتند، نماینده‌ی مجلس، دیز، بر خلاف میلش او را از کار خود به عنوان رهبر بازرسی بر کنار کرد. "به دلیل اقتصادی"، ادعایی که "دیز" کرد.

سولیوان مجدداً به جنبش فاشیستی اوکرائینی‌ها پیوست و موسسه‌ی اوکرائینی-آمریکایی را در پیتزبورگ در پنسیلوانیا سازماندهی کرد. این موسسه که تبلیغات ضد شوروی در میان یک میلیون اوکرائینی آمریکایی در رأس برنامه‌هایش قرار داشت، در ارتباطی نزدیک با سفارت آلمان در واشنگتن قرار داشت. سولیوان به همکاری خود با دوستان نازی ضد شوروی خود در سراسر کشور ادامه داد. "چهارم ژوئیه روز خوبی برای شماست"، تلگرافی بود که توسط "کافلین" (Coughlin) در اشاره به معامله‌ای که قرار بود با کمک "سولیوان" انجام شود، فرستاده شد.

اگر چه سولیوان به صورتی رسمی از "کمیته‌ی دیز" بر کنار شده بود، ولی به عنوان یک "متخصص ضد کمونیست" در ارتباطی نزدیک با آنها بود. در ۲۷ ژوئن ۱۹۳۹ او نامه‌ای را از دوست خود، هاری یونگ (Harry Jung) که یک مبلغ ضد شوروی و نژاد پرست ضد یهودی در شیکاگو به شمار میرفت، دریافت کرد. یونگ نوشته بود:

« برای مدت کوتاهی، یکی از اعضای بازرسی اینجا بود و بخشی از این زمان را با ما گذراند، و ما به او اطلاعات مهمی دادیم.  
من واقعاً امیدوارم که همکاری میان ما و کمیته هر چه بیشتر، راضی کننده تر و دوجانبه تر بشود. »

سمت سولیوان را به عنوان نزدیک ترین همکار و مشاور برای بازرسی در مورد فعالیت‌های "غیر آمریکائی"، یک یاغی مرتد از میان یکی از جنبش‌های رادیکال آمریکائی به نام "جی.بی.ماتیو" (J.B. Matthews)، اشغال کرد. نوشته‌های "ماتیو" به صورتی گسترده منتشر و در میان رهبران فاشیست آمریکائی و دولت‌های محور سر و صدای زیادی به پا کرد. مقالات او در نشریه‌ای به نام "ضد کمینترن" (Anti Komintern)، که متعلق به "آلفرد روزنبرگ" بود منتشر میشد.  
هفته‌ها به دنبال هم، جمعیتی جنایتکار از جاسوسان ضد کارگر، تبهکاران با سابقه، جاسوسان خارجی و باج گیرها در سالن بنای قدیمی دفترخانه‌ی کلوپ، مزین به ستون‌های مرمر، واقع در واشنگتن به صورتی جدی برای دادن شهادت در مورد این که جاسوسان مسکو در جریان طراحی توطئه‌ای برای سرنگونی دولت آمریکا می‌باشند، در مقابل "کمیته دیز" به عنوان "شهود متخصص" ظاهر میشدند. نمونه‌هایی از این شهادت‌های ضد کمونیستی:

« آلوین هالپرن (Alvin Halpern)، یک روز بعد از شهادتش در دادگاهی در واشنگتن به جرم دزدی به دو سال زندان محکوم شد. با این حال شاهدت او در گزارشات رسمی کمیته‌ی دیز ثبت شد.

پیتر جی. اینس (Peter J. Innes)، جاسوس در سازمان‌های کارگری، که از اتحادیه‌ی ملوانان به جرم سرقت ۵۰۰ دلار از صندوق اتحادیه اخراج شده بود. او بعدها به جرم تجاوز به یک کودک خردسال به ۸ سال زندان محکوم شد.

ویلیام سی. مک کیستون (William C. McCuiston)، یکی از سازمان دهندگان حمله‌ی مسلحانه به اعضای اتحادیه‌ها بود. هم زمان در حالی که در کمیته‌ی دیز شهادت میداد، در "نیو اورلان" نیز به اتهام قتل یک سر کارگر بنام فیلیپ کری (Philip Carey) با شلیک گلوله و ضرب و شتم مورد محاکمه قرار داشت. او بیگناه اعلام شد.

ویلیام نوول (William Nowell)، جاسوس در سازمان‌های کارگری و یکی از نزدیک ترین مشاوران رهبر فاشیست، "پیراهن نقره‌ای" به نام جرالد ال.کی. اسمیت (Gerald L.K. Smith)، با شماره‌ی عضویت شماره‌ی ۳۲۲۳. »

ریچارد کربس (Richard Krebs)، با نام مستعار یان والتین (Jan Valtin)، یکی از مشتریان دائمی پلیس، که به اعتراف خودش یکی از جاسوسان گشتاپو بود.

در ژانویه ۱۹۴۱، در حالی که که فرماندهان آلمانی به بهترین نحو خود را آماده‌ی حمله به اتحاد جماهیر شوروی کرده بودند، در ایالات متحده آمریکا کتابی پر جار و جنجال ضد شوروی به نام "پایان شب" منتشر شد. کتاب با امضای یان والتین منتشر شده بود.

یان والتین، فقط یکی از نام‌های مستعاری بود که جاسوس کار کشته‌ی گشتاپو از آن استفاده میکرد. ریچارد آندرسون (Richard Anderson)، ریچارد پیرترسون (Richard Peterson)، ریچارد ویلیامز (Richard Williams)، ردولف هلر (Rudolf Heller) و اوتو ملچپور (Otto Melchior) از دیگر نام‌های مستعار او بود.

کتاب کربس، "پایان شب"، داستان مردی بود به نام جان والتین بود که جهت به اجرا گذاشتن توطئه‌های مسکو به دور دنیا مسافرت میکرد. نویسنده، جزئیات کتبی از توطئه‌های جنایتکاران را که "جاسوسان بلشویک" ادعا میکردند که بر علیه آزادی جهان طراحی کرده بودند، تشریح میکرد. او

تشریح کرد که چگونه، پس از ده سال فعالیت تبهکارانه "برای کمینترن"، از جمله تلاش در انجام یک قتل در کالیفرنیا در سال ۱۹۲۶، "نسبت به حزب کمونیست و حقانیت برنامه‌هایش مشکوک شده بود". و بالاخره تصمیم گرفته بود که به صورتی کامل با مسکو قطع رابطه کرده و همه چیز را افشاء کند. "کریس"، در فوریه ۱۹۳۸ به ایالات متحده آمریکا آمده بود و سناریوی "پایان شب" را از اروپا، که به صورت حیرت‌انگیزی به از برخی کتاب‌های تبلیغاتی ضد شوروی، که به صورتی منظم در آلمان نازی منتشر میشد شباهت داشت، به همراه خود به آنجا آورده بود. جهت تصحیح کتاب برای انتشار در ایالات متحده آمریکا، "کریس" از روزنامه نگار آمریکائی "ایزاک دان لوین" (Isaac Don Levin)، یک مبلغ کار کشته و قدیمی ضد شوروی و یکی از همکاران دائمی نشریه‌ی "هیرست" (Hearst) کمک گرفت.

با کمک تبلیغات همگانی و سازمان داده شده، "پایان شب" به یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های آن زمان تبدیل شد. "کلوب کتاب ماه"، ۱۶۵۰۰۰ نسخه از این کتاب را در اختیار خوانندگان خود قرار داد. ریدرز دایجست، مقدمه‌ای طولانی، با تأکید بر این که سندیت این زندگینامه "به صورتی دقیق توسط ناشر مورد تحقیق قرار گرفته بود" بر این کتاب نوشت. نشریه‌ی لایف در دو شماره متوالی، بخش اعظم کتاب را به چاپ رساند. در تاریخ انتشارات کتاب در ایالات متحده آمریکا، بندرت در مورد کتابی، این چنین جار و جنجال به راه انداخته شد و هیچ کتابی مانند "پایان شب" این چنین مخرج هنگفتی در بر نداشت. در حالی که تعدادی از منتقدان به صورتی آشکار موضعی بدبینانه و بی تفاوت به آن کتاب داشتند، بخشی دیگری که مواضع ضد شوروی آنها مشهور خاص و عام بود، موجی از تمجید و تحسین را نثار آن کردند. در نشریه‌ی "مروری بر ادبیات شنبه‌ها" روزنامه نگار زن ضد شوروی فردا اوتلی در مورد کتاب کریس چنین نوشت: "هیچ کتابی به این روشنی کمک‌هایی را که استالین قبل از رسیدن به قدرت به هیتلر داد، و احتمالاً هنوز هم میدهد، افشاء نکرده است. سیدنی هوک (Sidney Hook) یکی از هواداران پر و پا قرص ترترسکی، در به اصطلاح روزنامه فدراسیون سوسیال دموکراسی به نام "رهبر جدید" (New Leader) اعلام کرد:

« به عنوان یک داستان ناب و خالص، این کتاب با سیر وقایع گیج‌کننده‌اش چنان هیجان‌انگیز است، که مشکل بتوان آن را به عنوان یک رمان ساده به حساب آورد، چرا که این کتاب در تناقض با آن اصولی است که یک رمان باید دارا باشد. »

ویلیام هنری چمبرلین (William Henry Chamberlin) که تفسیرات ضد شوروی او در مورد دادگاه‌های مسکو در نشریه‌ی تبلیغاتی، "ژاپن معاصر" (Contemporary Japan)، که در توکیو به چاپ میرسید، در ضمیمه‌ی روزنامه‌ی نیویورک ساندی تایمز ادعا کرد که "والتین به یک همکار با ارزش برای سازمان‌های آمریکائی که وظیفه شان مبارزه با جاسوسی، خرابکاری و دیگر فعالیت‌های غیر قانونی که از طرف نیروهای خارجی سازماندهی میشد، تبدیل شده بود".

ماکس ایستمن (Max Eastmann)، اویگن لیونز (Eugene Lyons) و دیگر اعضای دار و دسته‌ی ادبی ضد شوروی هوادار ترترسکی با هیجانی کامل "عقاید تاریخی" جاسوس قدیمی گشتاپو را مورد تحسین قرار دادند.

جان والتین قهرمان ملی شد. او به عنوان متخصص ضد شوروی برای دادن شهادت به کمیته‌ی دیز دعوت شد.

در ۲۸ مارس ۱۹۴۱ کریس به عنوان فردی نامطلوب و اجنبی قابل اخراج، دستگیر شد. بازجویی پلیس، نشان داد که کریس در سال ۱۹۲۶ به جرم کوشش در انجام قتل در کالیفرنیا، به مدت ۳۹ ماه را در زندان سن - کونتین (San Quentin) به سر برده بود. از پروتکل دادگاه لوس آنجلس روشن شد که این جرمی که کریس در "پایان شب" به عنوان یکی از جنایات کمینترن تشریح کرده بود، از اختلاف،

بر سر مبلغی که کربس باید به یک تاجر پرداخت میکرد سرچشمه میگرفت. وقتی کربس میخواست برای دادگاه روشن کند که چرا او کوشش کرد که تاجر را به قتل برساند، گفت که: "این یهودی مرا دیوانه کرد".

در جریان بازجویی هم چنین افشا شد، که کربس در دسامبر ۱۹۲۹ از ایالات متحده آمریکا اخراج شده بود و این که او در سال ۱۹۳۸ مانند ۱۹۲۶ به صورتی غیر قانونی وارد خاک آمریکا شده بود. هم چنین افشا شد که او در سال ۱۹۳۴ با شهادت خود باعث شده بود که یکی از دوستان دریانوردش به جرم خیانت توسط آلمان نازی محکوم شود. در مورد ارتباطش با حزب کمونیست آلمان که از آن اخراج شده بود، او توضیح داد که "او در سازمان رسوخ کرده بود".  
دادگاه مهاجرت آمریکا در بیانیهای خود اعلام کرد:

« که متهم مورد نظر طی پنج سال گذشته، جاسوس آلمان نازی تلقی شده است. از مسائلی که تا کنون افشاء شده است، میتوان نتیجه گرفت که او فردی است غیر قابل اطمینان و فاسد. »

در مورد فعالیت‌های جاسوسی کربس برای گشتاپو و محکومیت جنائی او سر و صدای زیادی پیا پیا نشد. با دخالت دوستان با نفوذ آمریکانیش که سفارش او را کرده بودند، مقامات اداره مهاجرت آمریکا بالاخره نظر خود را عوض کردند و گفتند که او آدم بهتری شده است و به او تابعیت آمریکا را اهدا کردند. "از دل شب"، در قفسه‌ی سرتاسر کتابخانه‌های عمومی کشور باقی ماند و پیغام‌های ضد شوروی خود را در میان هزاران آمریکائی پخش کرد.

ژنرال والتر جی. کیریویتسکی (Walter G. Kriwitzki)، با نام مستعار سامونل گینزبرگ (Samuel Ginsberg)، که خود را مأمور جی پی یو، تحت فرماندهی یاگودا معرفی میکرد، که به آمریکا فرار کرده بود. و در آنجا دست به انتشار زندگی کتیف ضد شوروی خود زد. بر اساس اظهارات وکیل آمریکانیش لونیس والدمن (Louis Waldman)، اجازه‌ی ورود او به آمریکا توسط سفیر ضد شوروی فرانسه ویلیام سی. بولیت (William C. Bullitt) صادر شده بود.

قفسه بایگانی "دیز" به سرعت با نام "بلشویک‌های" ظاهراً خطرناک پر میشد. نماینده‌ی مجلس اهل تگزاس هر از چند گاهی با پخش اعلامیه‌ای هیجان انگیز، اعلام میکرد که یک ستون پنجمی که تحت فرمان مسکو در کشور فعالیت میکرد، توسط او کشف شده است.

سال ۱۹۴۰ او کتابی را جهت عمومی کردن "افشاگری‌های" کمیته‌ی خود منتشر کرد. تحت نام "اسب تروائی در آمریکا: یک گزارش به مردم" کتاب دیز به صورتی مخلصانه به مجموعه‌ای از تبلیغات ضد شوروی اختصاص داده شده بود. در حالی که اتحادیه‌ی آمریکائی و جبهه‌ی مسیحیان، مانند سران اصلی جاسوسان ستون پنجم نازی، تظاهرات عظیمی را در شهرهای بزرگ آمریکا به نفع آلمانی‌ها ترتیب میدادند، دیز نماینده‌ی کنگره، استالین را به عنوان "فرمانده‌ی ۱۵۰ لشکر نظامی، متشکل از سربازان با لباس نظامی" معرفی میکرد که در راهند که ایالات متحده آمریکا را به تصرف خود در آورند.

دیز اعلام کرد، که "جاسوسان مسکو" در حقیقت "حمله‌ی روسیه به ایالات متحده آمریکا" را آغاز کرده بودند.

جریانات ضد شوروی و هواداران نازی‌ها در ایالات متحده آمریکا با اشتیاق کامل فعالیت‌های نماینده‌ی مجلس، مارتین دیز را مورد پشتیبانی قرار میدادند.

در ۸ دسامبر ۱۹۳۹ مروین ک. هارت (Merwin K. Hart)، یکی از معروفترین هواداران رژیم فاشیستی فرانکو در اسپانیا، ضیافتی را که در آن دیز مهمان مخصوص محسوب میشد در نیویورک ترتیب داد. از میان دیگر مهمانان در ضیافت میتوان از جان بی. ترنور (John B. Trevor)، آرچیبالد ای.

استیونسون (Archibald E.Stevenson) و فریتز کوون (Fritz Kuhn) رهبر اتحادیهی آلمانی - آمریکائی نام برد. وقتی که خبرنگاران نظر کوون را در مورد کمیتهی دیز جویا شدند، او جواب داد:

« من معتقدم که باید به فعالیت‌های خود ادامه دهد و کمک‌های مالی بیشتری دریافت کند. »

در این جا چند نمونه از اظهارات دیگر مبلغان ضد شوروی در مورد کمیتهی دیز و فعالیت‌هایش: جرج سیلوستر فیراک، جاسوس نازی، در ۲۱ فوریه ۱۹۲۴، محکوم به دو سال و هشت ماه زندان:

« من احترام بسیار زیادی برای "کمیتهی دیز" و برنامه‌اش قائلم. »

ویلیام دادلی پلی، رهبر پیراهن نقره‌ای‌های هوادار نازی‌ها، در ۱۳ آگوست ۱۹۴۲ به ۱۵ سال زندان به خاطر فعالیت‌های تحریک آمیز و یک بار دیگر در سال ۱۹۴۴ محکوم به دلیل شرکت در توطئه بر علیه آمریکا:

« من لژیون نقره‌ای‌ها را در سال ۱۹۳۳ جهت تبلیغ همان مطالبی که اکنون آقای دیز و کمیتهی او فعالانه تبلیغ میکند پایه گذاری کردم. »

پدر روحانی چارلز ای. کالین (Charles E.Coughlin)، مبلغ فعال نازی، پایه گذار جبهه‌ی مسیحیان و روزنامه‌ی عدالت اجتماعی که در سال ۱۹۴۲ به دلیل ماهیت تحریک آمیزش ممنوع اعلام شده بود:

« اگر شما فعالیت‌های دیز را تحسین می کنید، پس باید بخشی از وقت آزاد خود را به نوشتن نامه‌ای ستایش آمیز به او اختصاص دهید. یک میلیون نامه‌ی دوستانه بر روی میز کار او، در حقیقت می تواند جوابی با ارزش به تمام کسانی باشد که آرزوی نابودی او و تمام ارگان‌های دولتی که او نمایندگی میکند. »

در برلین به صورتی آشکار از فعالیت‌های ضد شوروی دیز در ایالات متحده آمریکا تجلیل میشد. در زمستان سال ۱۹۴۱ رادیوی دولتی موج کوتاه آمریکائی اعلام کرد، که نماینده‌ی مجلس، مارتین دیز، یکی از آمریکائی‌هایی بود که دولت‌های فاشیستی نام او را با علاقه‌ی بسیار و اشتیاق تمام "در جریان بخش برنامه‌های با موج کوتاه در نیمه‌ی غربی کره‌ی زمین به صورت مداوم تکرار کرده بودند.

دو روز پس از حمله‌ی هیتلر به اتحاد جماهیر شوروی، دیز اعلام کرد که هیتلر طی ۳۰ روز، کنترل روسیه را به دست خواهد گرفت. او با فرستادن نیروهای کمکی برای ارتش سرخ مخالفت کرد. او گفت که "کمک آمریکا به روسیه یک حماقت است"، "چرا که به هر حال وسایل جنگی به چنگ آلمانی‌ها می افتاد". او با نگرانی کامل اخطار داد که دولت ما با کمک خود به روسیه جبهه‌ی جدیدی را در غرب برای استالین، اینجا در پایتخت آمریکا باز میکند".

در ۲ اکتبر سال ۱۹۴۱ مدت کوتاهی پس از این که پرزیدنت اعلام کرده بود که دفاع از اتحاد جماهیر شوروی، برای دفاع از آمریکا جنبه‌ی حیاتی داشت، دیز در یک نامه به پرزیدنت روزولت،

مقصود خود را با ادامه‌ی تبلیغات ضد شوروی اعلام کرد. او نوشت، آقای پرزیدنت من قصد دارم، از تمام امکانات موجود استفاده کنم تا به مردم آمریکا نشان دهم که شباهت‌های میان "هیتلر" و "استالین" بیش از تفاوت‌های آنهاست.

حتی پس از اتحاد نظامی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، مارتین دیز به تبلیغات ضد شوروی خود ادامه داد. در ۲۹ مارس ۱۹۴۲ معاون رئیس جمهور هنری والس (Henry Wallace) اعلام کرد:

« اگر ما در شرایط صلح به سر می بردیم، این روش می توانست به عنوان نتیجه‌ی تولیدات یک مغز جادوگر تلقی شود. اما صلحی در کار نیست. ما در حال جنگیم. دو دلی و خشمی که این جنگ و سخنانی نظیر سخنان آقای دیز در مغز مردم ایجاد کرده است، می تواند از جانب خود گوبلز تا زمانی که تاثیر عملی آن مورد نظر باشد، زده شده باشد. در حقیقت اگر آقای دیز حقوق بگیر هیتلر بود تاثیر بد، اخلاقی آن می توانست کمتر باشد. ما آمریکایی‌ها باید نتایج این حقیقت تلخ را در نظر بگیریم. »

\* \* \* \* \*

### جمع‌بندی از این بخش :

تقریباً سلسله مقالات کتاب چهارم " توطئه بزرگ " کاملاً روشن و گویاست و فارق از هر توضیح و تفسیری می باشد . باید آنها را بخوانیم و بیاموزیم که هرگز نباید کوچکترین شک و شبهه ای نسبت به ماهیت غارتگرانه و جنایتکارانه دشمنان طبقاتی بشریت یعنی مرتجعین رنگا رنگ ، امپریالیست ها و بویژه امپریالیست آمریکا به ذهن مان خطور نماید . هرگز نباید از ترفندهای آنان غافل بود- هرگز نباید به سخنان ، نوشتار و اصولاً به رسانه های امپریالیستی- صهیونیستی کوچکترین اعتمادی داشت . باید به تمامی کتب و رمان هائی که علیه اتحاد جماهیر سوسیالیستی دوران لنین- استالین توسط هر کس و نا کس برشته تحریر در آمده ، بدیده شک و تردید نگریست و مطمئن بود که اباطیل و اراجیف مندرج در آنها تماماً جز ؛ دروغ پردازی ، جعلیات و افسانه سرانی ی غیر واقعی نبوده و نخواهد بود .

بهمن ادیب 2007/08/25